# هفت

۴صفحه | ضمیمه نوجوان روزنامه قدس | شماره ۵۱۹

www.qudsonline.ir

پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۶ | ۲۷ صفر ۱۴۳۹ | ۱۶ نوامبر ۲۰۱۷


ریه‌های زمین هر سال کوچک‌تر می‌شوند

## حال جنگل‌ها خوب نیست

۲

در داستان غرق شویم

## شازده کوچولو در کتاب ریاضی

۴

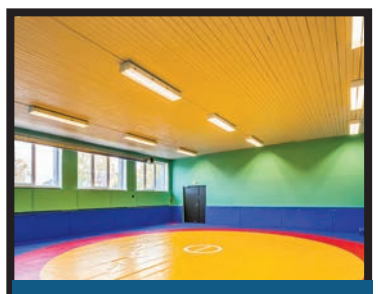

## تمرین پهلوونی

افسانه غیاثوند

۴

ستاره ها در آسمان چشم
هایت هنوز به دنبال ردپایی
می گردند که از مکه تا
مدینه به دنبال آزاد شدن
روح سر گشته انسانهای
جویای حقیقت بود، هنوز
نخلستان ها در آرزوی قدم
هایت هستند تا سبد سبد
مهربانی نصیبشان کنی،
هنوز ابرها به دنبال پیشی
گرفتن از هم هستند تا
بالای سر تو سایبانی بسازند
برای آسودن بهترین بنده
خدا، هنوز آفتاب در تعجب
است که مگر چند خورشید
در منظومه شمسی می
تواند جهان را روشن کند
آیا او خورشید است یا تو ،
ای رسول خو بی ها جهان
همچنان تشنه محبت و
عدالت و مهربانی توست

نگاهی به وضعیت نوسازی مدارس کشور

# تو فکر یک سقفم

**فاطمه نیک** | سر کلاس درس هستید. به هر زحمتی شده به همراه دوتا همکلاسی دیگر روی نیمکتی نشسته‌اید که نصفش روی هواست و از چندجایش میخ بیرون زده و قیژقیژکنان به شما یادآوری می‌کند که اوضاعش خیلی بی‌ریخت است. معلم مسئله خیلی سختی در مورد تاجری که آن‌قدر پول داشته که چندین‌بار کامیون بخرد روی تخته نوشته است و از شما بخت‌برگشته‌ها خواسته انتگرال ثروت تاجر را دربیاورید. شما نگاهتان بین تخته و ترک‌های دیوار می‌رود و می‌آید. متأسفانه فصل پاییز است و تا دلتان بخواهد باد، آن هم از نوع شدیدش می‌وزد. به همین خاطر کل پنجره‌های ساختمان به همراه باد زوزه می‌کشند. تا می‌خواهید تکلیف بارهای کامیون تاجر را معلوم کنید و از تیررس نگاه معلم فرار کنید، ناگهان یک تکه گچ بدون برنامه تالاپی روی سرهمکلاسی‌تان می‌افتد. قبل از این‌که بفهمید چی شده، همه بچه‌های کلاس از روی شما و همکلاسی بیهوشتان گذشته و کلاس را ترک کرده‌اند. شما مانده‌اید و احتمال ریزش کل مدرسه روی سرتان که معلم با زدن خط‌کش روی میز از شر این کابوس نجات‌تان می‌دهد. نفس راحتی می‌کشید و خدا را شکر می‌کنید که صحیح و سالم هستید و همه‌چیز خواب بوده، اما صدای قیژقیژ نیمکت و زوزه باد نمی‌گذارند فراموش کنید در کلاس نیمه‌ویرانی درس می‌خوانید و هر لحظه ممکن است کابوستان تبدیل به واقعیت شود.

> تهران از لحاظ وضعیت مدارس اوضاع مناسبی ندارد، این شهر جزو پنج شهر فقیر به لحاظ فضای آموزشی است

### کابوسی که می‌تواند تکرار شود

باور بفرمایید اوضاع به همان اندازه‌ای که آن بالا توصیف کردیم وحشتناک است. هنوز یک سال از فرو ریختن دیوار مدرسه در روستای سمیرم استان اصفهان نمی‌گذرد. بدون‌شک همه دانش‌آموزان آن مدرسه هم‌چنان خاطره وحشتناک آن روز را به خاطر دارند که دیوار حیاط مدرسه‌شان یکدفعه روی دوستانشان آوار شد. این کابوس آینده تلخی است که در انتظار بسیاری از مدارس کشور است. پایتخت و روستا یا شهر بزرگ و کوچک هم ندارد. مطمئنیم لازم نیست خیلی برایتان دلیل و مدرک بیاوریم، چون بدون‌شک یا در حال حاضر گرفتار مدرسه‌ای ناامن هستید یا در گذشته تجربه‌اش کرده‌اید. با این‌همه برای این‌که دست‌تان بیاید چه خبر است اول سری به مدارس پایتخت می‌زنیم.

### درس خواندن زیر سقف‌های خشتی

حتماً الان با خودتان می‌گویید اگر وضعیت تهران این‌جوری است در استان‌های دیگر چه خبر است؟! عرض شود خدمت‌تان که معاون وزیر و رئیس سازمان نوسازی مدارس کشور چند وقت پیش اعلام کرده‌اند که حدود ۳۰درصد مدارس کشور نیازمند تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی هستند. متأسفانه چهار استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و البرز به عنوان استان‌های محروم آموزشی در شرایط پایین‌تر از استاندارد قرار دارند. شاید باورتان نشود، اما در سال گذشته ۱۳۰۰ کلاس خشتی در کشور شناسایی شده‌اند. به گفته مسئولان در سال‌های گذشته همه کلاس‌های کپری جمع‌آوری شده‌اند. آن‌طور که مسئولان ادعا می‌کنند آن تک‌وتوک کلاس‌های کپری هم که باقی مانده‌اند، بیشتر در مناطق جنوب، کرمان و سیستان و بلوچستان است؛ البته قرار است کلاس‌های پیش‌ساخته این تک‌وتوک کپر را هم از بین ببرند.

### تهرانی‌ها توی موزه درس می‌خوانند

راستش را بخواهید دانش‌آموزان تهرانی در واقع بیشتر توی موزه درس می‌خوانند تا توی مدرسه! چون به گفته مسئولان آموزش‌وپرورش در حال حاضر شهر تهران هفتصد مدرسه با قدمت چهل‌ساله دارد. ما به جای آموزش‌وپرورش بودیم این مدارس را می‌فرستادیم زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و دفتر مرمت و خیال خودمان را راحت می‌کردیم. آن‌طور که مسئولان آموزش‌وپرورش گفته‌اند تا الان از میان این هفتصد مدرسه، صد مدرسه به دلیل ناامنی تخلیه شده‌اند. ششصد مدرسه از نظر کارشناسان استاندارد و امنیت لازم را ندارند، اما در حال فعالیت هستند. تهران از لحاظ وضعیت مدارس اوضاع مناسبی ندارد، این شهر جزو پنج شهر فقیر به لحاظ فضای آموزشی است. اگر آموزش‌وپرورش بخواهد سروسامانی به این مدرسه‌ها بدهد، باید مثل جادوگرها با یک ورد یکدفعه ششصد مدرسه دیگر در تهران بسازد. در بافت‌های فرسوده ۲۲۵ مدرسه ظرف ۱۰ سال در شهر تهران تخریب و بازسازی شده‌اند. خدمت‌تان عرض شد که هفتصد مدرسه هم نیاز به تخریب و بازسازی دارد، آن‌ها را هم اضافه کنید به هزار مدرسه‌ای که نیاز به مقاوم‌سازی دارند، تازه این پایان مسئله نیست، چون با یک حساب سرانگشتی تهران تا سال۱۴۰۴ به ۹۰۰ مدرسه دیگر هم احتیاج دارد.

### مدرسه کانکسی هم داریم

به‌جز کپر و مدرسه‌های خشتی بعضی از همسن و سال‌های شما مجبور هستند داخل کانکس درس بخوانند. در شهرهای بزرگ هم گاه از این اتفاق‌ها می‌افتد و همین‌طور گاه برای مناطقی که جمعیت کمی دارند این کلاس‌ها پیشنهاد می‌شوند، ولی کار در استان‌های غربی کشور از یکی، دوتا یا ده‌تا، بیست‌تا مدرسه کانکسی گذشته است؛ مثلاً استان کرمانشاه ۳۲۰ کلاس درس کانکسی دارد.

البته ایلامی‌ها هم صاحب ۹۲ کلاس درس کانکسی هستند که بیشتر در روستاها و جاهای کم‌جمعیت از آن‌ها استفاده می‌شود. هر دوی این استان‌ها کلاس‌های فرسوده بسیاری دارند که به دلیل نرسیدن بودجه، بازسازی‌شان متوقف شده است.

### جیب خالی آموزش‌وپرورش

حتماً می‌توانید حدس بزنید که آموزش‌وپرورش با چند میلیون دانش‌آموز حتی اگر بخواهد بین مدرسه‌هایش بادکنک هم توزیع کند، نیازمند بودجه چندمیلیاردی است چه برسد که بخواهد بیشتر مدارسش را بکوبد و از نو بسازد. طرح تخریب و بازسازی مدارس غیراستاندارد و مقاوم‌سازی مدارس بدون استحکام از ۱۰ سال پیش آغاز شده است. برای اجرای این طرح، ۱۳۲هزار کلاس درس باید تخریب و بازسازی می‌شده که از این تعداد حدود ۶۴هزار کلاس درس نوسازی شده است؛ یعنی ۴۹درصد این طرح تا امروز اجرا شده است و حدود ۶۲هزار کلاس درس نیازمند نوسازی است. براساس گفته مسئولان آموزش‌وپرورش، این سازمان ۱۲هزار میلیارد تومان اعتبار برای تخریب و بازسازی و ۶هزار میلیارد تومان اعتبار برای مقاوم‌سازی فضاهای آموزشی نیاز دارد. با بودجه‌هایی که الان نصیب آموزش‌وپرورش می‌شود بازسازی مدارس کشور صد سال طول خواهد کشید. برای همین به‌تازگی مسئولان اعلام کرده‌اند مقاوم‌سازی ۹۶هزار کلاس درس روی دستشان مانده است و اعتبار ندارند. ظاهراً این مجلسی‌ها هستند که می‌توانند به داد مدرسه‌ها برسند. به‌جز آن‌ها در سال‌های گذشته خیرین مدرسه‌ساز هم برای سرعت بخشیدن به بازسازی مدرسه‌ها در کشور به کمک آموزش‌وپرورش آمده‌اند. تا امروز حدود ۲۰درصد مدارس در کشور از سوی خیرین ساخته شده است. از سال ۹۲ تا ۹۵ حدود ۳۵۶هزار کلاس درس در کشور به وسیله خیرین ساخته شده است و آموزش‌وپرورشی‌ها امیدوارند این جریان با مشارکت خیرین مدرسه‌ساز در سال‌های آینده سرعت بیشتری بگیرد.

*حدود ۳۰ درصد مدارس کشور نیازمند تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی هستند. متأسفانه چهار استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، آذربایجان غربی و البرز به‌عنوان استان‌های محروم آموزشی در شرایط پایین‌تر از استاندارد قرار دارند*

### محیط آموزشی به اندازه آموزش مهم است

در حالی که ما از درس خواندن توی کلاس‌های خشتی حرف می‌زنیم و به فکر تأمین امنیت حداقلی دانش‌آموزان هستیم، دنیا برای خودش کلی جلو رفته و دیگر به ساختمان مدرسه‌ها به عنوان یک چهاردیواری که سقف داشته باشد، نگاه نمی‌کند. به گفته کارشناسان در آموزش‌وپرورش جدید یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت و یادگیری دانش‌آموزان چگونگی فضای آموزشی است. در گذشته تصور می‌شد که معلم یا کتاب‌های درسی، هم‌چنین وضعیت هوش دانش‌آموز یا روش‌های تدریس و شرایط خانواده در کیفیت آموزش مؤثر هستند، اما در شیوه‌های جدید آموزش‌وپرورش به محیط آموزشی به عنوان عنصری زنده و پویا توجه بسیاری شده است. معماری و کیفیت ساختمان آموزشی می‌تواند کیفیت آموزش را از این رو به آن رو کند و تأثیرش در روحیه و سلامت روان دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد.

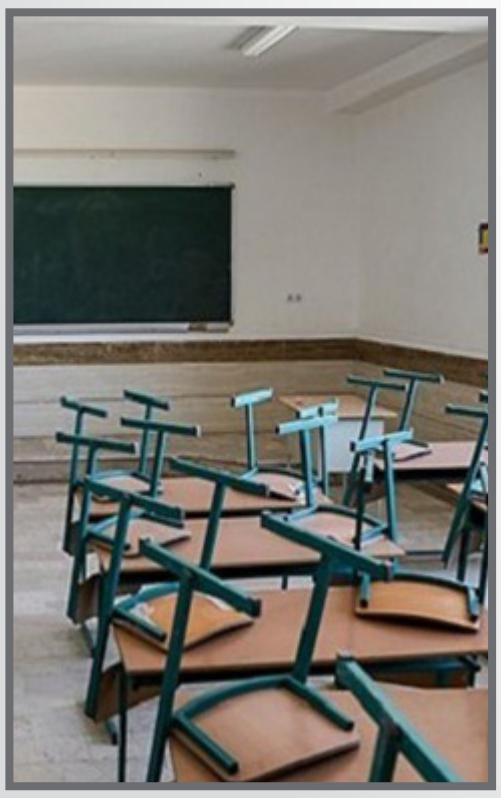

## ریه‌های زمین هر سال کوچک‌تر می‌شوند

# حال جنگل‌ها خوب نیست

در سال ۲۰۱۶، بیش از ۲۹میلیون و ۷۰۰هزار هکتار از پوشش درختی سراسر جهان از بین رفته‌اند. امسال بخش عظیمی از جنگل‌های ایالات متحده، کانادا، آمریکای جنوبی و بخش‌هایی از جنگل‌های اروپا و آسیا به خاکستر تبدیل شدند. براساس آخرین گزارش سازمان محافظت از جنگل‌های ایالات متحده بیش از ۲میلیون و ۲۰۰هزار هکتار از جنگل‌های این کشور در سال جاری گرفتار آتش‌سوزی شدند. این آمار در مقایسه با ۱۵ سال گذشته نشان می‌دهد که میزان آتش‌سوزی در خاک ایالات متحده در تابستان ۲۰۱۷ حداقل ۷۲۸هزار هکتار بیشتر از میانگین ۱۰ سال گذشته بوده است. براساس اطلاعات دریافتی سازمان فضایی ناسا این ماجرا فقط مربوط به آمریکایی‌ها نبوده است و جنگل‌های کشور سردسیر کانادا و چند کشور آمریکای جنوبی نیز دچار آتش‌سوزی شده‌اند. هم‌چنین محققان با دنبال کردن نقشه‌های آتش‌سوزی در قاره اروپا به این نتیجه رسیدند که میزان گسترش آتش در جنگل‌های ایتالیا و رومانی در تابستان امسال حداقل سه برابر میانگین منطقه‌ای بوده است. سازمان فضایی ناسا اعلام کرد: میانگین آتش‌سوزی در شرق قاره آسیا و در منطقه سردسیر سیبری نیز در حال افزایش است. در سال ۲۰۱۶، بیش از ۲۹میلیون و ۷۰۰هزار هکتار از پوشش درختی سراسر جهان از بین رفته‌اند که این رقم به نسبت سال ۲۰۱۵، بیش از ۵۱درصد افزایش داشته است. با توجه به داده‌های جدیدی که از دانشگاه مریلند منتشر شده، مجموع پوشش درختی که جهان در سال گذشته از دست داده به بزرگی مساحت نیوزیلند است.

### آتش به جان جنگل‌ها افتاده است

به نظر می‌رسد آتش‌سوزی جنگل‌ها متهم ردیف اول در افزایش نابودی پوشش درختی و فضای سبز در طول این چند سال است. این اطلاعات که با بررسی محققان دانشگاه مریلند به دست آمده و به وسیله کارشناسان مؤسسه منابع جهانی بررسی شده‌اند، تأکید می‌کند که رفتارها و اعمال ما انسان‌ها بیشتر از هر چیزی در نابودی پوشش درختی تأثیر داشته و بسیاری از آتش‌سوزی‌هایی که اتفاق افتاده عمداً از سوی انسان‌ها و به خاطر منفعت‌طلبی ما بوده است. به گفته کارشناسان آتش خطرناک‌ترین دشمن جنگل است. شاید نتوانید تصور کنید، اما یک آتش‌سوزی کوچک همیشه خسارت‌های غیرقابل جبرانی را به وجود می‌آورد. خسارت‌هایی که گاه باعث می‌شوند قسمتی از جنگل یا پوشش گیاهی به طور کامل و برای همیشه از بین بروند. متأسفانه سطح آتش‌سوزی از سالی به سال دیگر در حال افزایش است و برعکس، مقدار پوشش گیاهی هر سال کمتر از سال قبل می‌شود. پیدا کردن علت آتش‌سوزی جنگل‌ها معمولاً آسان نیست، اما بیشتر وقت‌ها بی‌احتیاطی ما انسان‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم کار دست جنگل داده است.

معمولاً یک لحظه غفلت هیزم‌شکن‌ها، افرادی که در طبیعت سیگار می‌کشند، مسافران و چوپان‌ها بلای جان جنگل می‌شوند. به‌جز آتش‌سوزی، کشاورزی، دامداری، قطع پایه‌های شاخه‌زا، قطع درختان به خاطر مصرف چوب و تجهیزاتی که گردشگران از آن‌ها در جنگل‌ها استفاده می‌کنند در نابودی ریه‌های سبز زمین نقش دارند.

### وضع کشور ما هم خوب نیست

در دهه گذشته در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر میزان نابودی مناطق جنگلی در اثر آتش‌سوزی، قزاقستان با ۱۷۹هزار هکتار، الجزایر با ۵۴هزار هکتار، ترکیه با ۱۲هزار هکتار و ایران با ۶۵۰۰ هکتار به ترتیب در رده‌های اول تا چهارم قرار داشته‌اند. از طرفی ایران در رتبه‌بندی کشورهای مخرب جنگل در دنیا رتبه ششم را به خود اختصاص داده است. سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) در گزارشی اعلام کرده هر سال ۶ درصد از جنگل‌های ایران در آتش می‌سوزد و ۹۰۰هزار مترمکعب چوب از قطع درختان تولید می‌شود. هم‌چنین بانک جهانی در گزارشی میزان خسارت‌های ناشی از نابودی جنگل‌های ایران را سالانه ۷میلیارد و ۲۱۲میلیون دلار اعلام کرده است. درست است که دهه هشتاد رکورددار آتش‌سوزی جنگل در ایران بود و مسئولان مدعی هستند در چند سال گذشته این آمار و ارقام کاهش پیدا کرده است، اما هم‌چنان در فصل‌های تابستان و پاییز ما آتش‌سوزی در جنگل‌هایمان را تجربه می‌کنیم.

### چطور از جنگل‌هایمان مراقبت کنیم؟

خوب است بدانید جنگل جزو حقوق دسته‌جمعی است؛ یعنی ارث پدری هیچ‌کدام‌مان نیست و ما برای این‌که حیاتمان در کره زمین ادامه پیدا کند، مجبوریم از آن‌ها مراقبت کنیم. به همین خاطر مهم است دنبال راهکارهایی برای محافظت از جنگل‌ها و پوشش سبز زمین باشیم. در ادامه چند راهکار ساده را با شما در میان می‌گذاریم:

- در جنگل و دشت آتش روشن نکنید.
- در طبیعت با کبریت و فندک بازی نکنید.
- به خودتان قول بدهید که مواد آتش‌زا و بطری شیشه‌ای و پلاستیکی را که می‌توانند مانند ذره‌بین عمل کرده و باعث بروز آتش‌سوزی شوند در جنگل نمی‌اندازید و اگر سرتان رفت قولتان نرود.
- اگر زمین کشاورزی‌تان کوچک است با تصرف جنگل بزرگش نکنید.
- یک شاخه از درخت را بی‌دلیل و با دلیل نشکنید چه برسد که بخواهید درختی را قطع کنید. این موضوع شامل حال بوته‌ها و درختچه‌ها هم می‌شود.
- گله‌تان را برای چرا در جنگل رها نکنید.
- جان هرکی دوست دارید روی درخت یادگاری ننویسید.

#مغزهای قابل ارتقاء

سیناپرس

### افزایش هوش با کار گذاشتن تراشه در مغز

طرفداران فیلم‌های علمی تخیلی مواردی را به خاطر دارند که انسان‌ها با کار گذاشتن یک تراشه کامپیوتری توی مخشان تبدیل به موجودات عجیب‌وغریبی می‌شدند و نه‌تنها از درودیوار می‌توانستند بالا بروند و پرواز کنند که هوششان هم هزار برابر افزایش پیدا می‌کرد. حالا یک آقای پولداری پیداشده که با راه‌اندازی یک شرکت و پرداخت پولی آن‌چنانی می‌خواهد فیلم‌ها را به حقیقت تبدیل کند. منتهی این سؤال مطرح است که ما انسان‌ها تا چه حد حاضریم مغز خود را دست‌کاری کنیم تا بتوانیم به قابلیت‌های فرا بشری دست پیدا کنیم؟ بنیان‌گذار شرکت استارت آپ هک کردن مغز به نام کرنل که «برایان جانسون» نام دارد، معتقد است که در ۱۵سال آینده انسان‌ها می‌توانند قابلیت‌ها و ظرفیت طبیعی مغز خود را افزایش بدهند و برای همین کار نیز ۱۰۰ میلیون دلار از دارایی خودش را به این پروژه اختصاص داده است.

#آهسته بخور، همیشه بخور

خبرگزاری فارس

### «تند خورها» مواظب باشند

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که موقع غذا خوردن آن‌قدر عجله به خرج داده‌اید که والدینتان بهتان گفته‌اند :«مگه دنبالت کردن؟!» اگر جزو افراد تند خوار هستید خدمتتان عرض کنیم بهتر است این شیوه را فوری و فوتی ترک کرده و تا می‌توانید آهسته غذا بخورید. نتایج تازه‌ترین بررسی‌ها نشان می‌دهد، افرادی که تند غذا می‌خورند، حداقل ۵/۵ برابر بیش از دیگران در معرض ابتلا به چاقی، فشارخون بالا و کلسترول بالا هستند. محققان ژاپنی با بررسی بیش از ۱۰۰۰ نفر دریافتند، افرادی که برای تمام شدن غذای خود عجله می‌کنند، درواقع خود را در معرض بیماری‌های گوناگون قرار می‌دهند که چاقی و فشارخون بالا تنها شروع موج جدیدی از بیماری‌ها در آن‌هاست.



## نگاهی کوتاه به کارنامه خریدهای تابستانی این فصل استقلالی‌ها

# خریدهایی که بلای جان شدند

خریدهای این فصل «منصوریان» باعث شده که آبی‌ها از محرومیت سال قبلشان راضی باشند. خریدهای منصوریان بلای جان استقلال شده است. بازیکنانی که استقلال در ابتدای فصل به تیمش اضافه کرده هیچ کمکی به استقلال نکرده‌اند و فقط دست سرمربی را برای انتخاب بازیکن تنگ‌تر کرده‌اند. منصوریان در ابتدای فصل «برزای» و «محسن کریمی» و چند بازیکن استقلال را رد کرد تا در کنار «شیخ‌الاسلامی»، «آقایی»، «نجفی» و «محمدی» با چند بازیکن شاخص و اسمی هم به توافق برسد، ولی هیچ‌کدام از خریدهای منصوریان به کار استقلال نیامده‌اند و فعلاً همه‌شان پسوند «ناکام» را برای خریدشان به دوش می‌کشند. با این خریدها، استقلالی‌ها خوشحال‌اند که سال قبل از نقل‌وانتقالات نیم‌فصل محروم شدند و توفیق اجباری‌شان بازی دادن به جوان‌هایی بود که یک‌تنه تیم را تا رده دوم بالا کشیدند. با خواندن مطلب زیر متوجه خواهید شد که احتمالاً تور مدیران آبی برای صید ماهی‌های درست‌وحسابی فصل نقل‌وانتقالات بدجور پاره بوده است.

### خریدهای استقلال در فصل ۹۷-۹۶

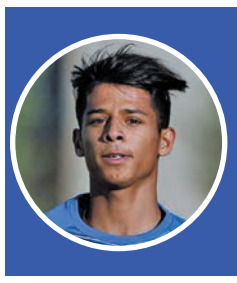

**مهدی قائدی:**

باشوی استقلال هنوز چیزی فراتر از یک ذخیره جذاب نبوده است. قائدی هیچ گلی نزده و پاس گلی نداده است. فقط در هفته‌های اول به خاطر جثه کوچک و دریبل‌های بی‌فایده‌اش مورد توجه قرار گرفته بود که با رفتن منصوریان، «مک‌درموت» و «شفر» هنوز یک دقیقه هم به او بازی نداده‌اند.

**آرمین سهرابیان:**

فقط ۵۵ دقیقه جلوی پارس‌جنوبی‌جم بازی کرد که در همان مسابقه هم با «میلاد زکی‌پور» تعویض شد. شاید آینده سمت چپ استقلال متعلق به این بازیکن جوان باشد، ولی فعلا آن‌قدر ناامیدکننده حاضر شده که هیچ مربی‌ای حاضر نشده جای زکی‌پور را هم به «سهرابیان» بدهد.

**پژمان منتظری:**

همین که بعد از سال‌ها به تیم ملی دعوت نشد نکته خوبی نیست که چرا پژمان افت کرده؟ «منتظری» دو روز بعد از عدم حضورش در اردوی تیم ملی با آسیب‌دیدگی کتف روبه‌رو شد و دستش را جراحی کرد. آمار دفاعی استقلال در حضور منتظری هم تعریفی نداشت. پژمان براساس نمرات آنالیزورهای نود، صدوهفتادوپنجمین بازیکن این فصل لیگ برتر است.

**حسن بیت‌سعید:**

روزهای بد وارثان پیراهن «فرهاد مجیدی» ادامه دارد. «بیت‌سعید» هم مانند «بختیار رحمانی» احتمالاً تا نیم‌فصل از استقلال جدا می‌شود. حسن بیت‌سعید نه گلی زده و نه گلی ساخته. احتمالاً با ادامه این روند، حسن بیت‌سعید به عنوان یک سرخورده از استقلال خارج می‌شود.

**داریوش شجاعیان:**

هافبک گسترش‌فولاد با سروصدای زیاد و پا رقمی بالای ۲میلیارد استقلالی شد، ولی شجاعیان اصلا در حد قیمت قراردادش ظاهر نشده است. داریوش شجاعیان یک گل به سپیدرود زد، ولی هنوز با روزهایی که ملی‌پوش بود فاصله زیادی دارد.

**سجاد شهباززاده:**

۱۰ مسابقه در لیگ و دو بازی هم در جام حذفی گذشته و «شهباززاده» هم‌چنان در حسرت گل زدن است. فصل قبل هم شهباززاده یک گل با لباس آلانیا اسپور زده بود و یک گل هم برای نفت تهران. شماره ۱۰ محبوب استقلال در کویر گلزنی به سر می‌برد.

**سرور جپاروف:**

حالا استقلالی‌ها خوشحال‌اند که تیم منصوریان در نیم‌فصل سال قبل از خرید بازیکن محروم شد و «سرور» به سپاهان رفت. جپاروف به غیر از یک گل تماشایی به دروازه‌بان شوت‌دوست تراکتورسازی، اثر مثبت دیگری در استقلال نداشت.

**مجتبی جباری**

یاغی استقلال در این سال‌ها بیرون از زمین بیشتر می‌درخشد تا داخل مستطیل سبز. «جباری» در این فصل تا هفته پنجم کنار استقلال بود که هیچ‌کدام از آن پاس‌های خاصش را در زمین مسابقه نفرستاده بود، ولی این ستاره هم‌چنان خارج از زمین فوتبال می‌درخشد.

«مایکل اوون» در سال ۲۰۰۵ در ازای ۱۶ میلیون یورو از رئال‌مادرید به نیوکاسل واگذار شد و لقب گران‌ترین خرید تاریخ کلاغ‌های سیاه سنت جیمز پارک را به خود گرفت، اما دوران هجده‌ماهه مصدومیتش در این تیم سبب شد تا از نظر فنی افت شدیدی کند و تنها ۷۱ بار در کل چهار فصل تا سال ۲۰۰۹ به میدان رفت و ۲۶ گل را به ثمر رساند.

# ستاره‌های خاموش

## خرید بعضی از بازیکنان بزرگ فوتبال تبعات فاجعه‌باری به همراه داشته است

علیرضا خسروی | سالانه هزاران نقل‌وانتقال در دنیای فوتبال صورت می‌گیرد، ولی دقیقاً هر سال همین روزهاست که خریدهای ریز و درشت روی ترازوی قضاوت قرار می‌گیرند. حالا نوبت رسانه‌ها و مردم می‌رسد که عملکرد ستاره‌های میلیونی را ارزیابی کنند. درست در روزهایی که انتقادات از بعضی ستاره‌ها به‌جور بالا گرفته است، نگاهی به بدترین خریدهای بیست سال اخیر دنیای فوتبال انداختیم. بازیکنانی که قرار بود ستاره باشند، ولی عملکردشان از فاجعه هم بدتر بوده است.

### ۱ کاکا؛ شکلات تلخ

نخستین نماد چنین خریدهایی، «کاکا» است. کاکا شماره ۸ و هافبک تهاجمی رئال‌مادرید در تابستان ۲۰۰۹ از آث‌میلان به جمع کهکشانی‌ها پیوست و این در حالی بود که «فلورنتینو پرز»، رئیس قوهای سفید مادریدی با پرداخت ۵۶میلیون یورو به روسونری‌ها، رکورد خرید بازیکن را تا آن زمان شکست، اما این ستاره برزیلی که در سال ۲۰۰۷ جایزه بهترین بازیکن سال جهان را از آن خود کرده بود، ۱۸۰ درجه بازدهی متفاوتی نسبت به دوران درخشش خود در جمع قرمزپوشان میلانی در این تیم مادریدی تاکنون ارائه داده است. کاکا طی حضور شش‌ساله‌اش از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ در جمع بازیکنان آث‌میلان طی ۱۹۳ بازی ۷۰ گل به ثمر رساند، اما از دوم ژوئن سال ۲۰۰۹ تاکنون تنها ۳۶ بار برای رئال‌مادرید به میدان آمده و فقط ۱۲ گل به ثمر رسانده است. نمایش ضعیف و دوران مصدومیت هشت‌ماهه کاکا، مسئولان قوهای سفید مادریدی و پرافتخارترین تیم فوتبال باشگاهی جهان را برانگیخت تا «کریم بنزما»ی فرانسوی را از لیون خریداری کنند. هم‌چنین باید گفت که «مانوئل پلگرینی» شیلیایی و «خوزه مورینیو»ی پرتغالی، سرمربیان رئال‌مادرید در دو سال اخیر از حضور این ستاره برزیلی در سانتیاگو برنابئو راضی نبودند. مقایسه عملکرد کاکا که با رقم ۸،۵میلیون یورو از سائوپائولو به آث‌میلان پیوست و با درخشش خود باعث قهرمانی روسونری‌ها در سری A سوپر جام ایتالیا و لیگ قهرمانان اروپا شد، با دوران حضورش در رئال‌مادرید به عنوان گران‌قیمت‌ترین بازیکن جهان، خشم هواداران کهکشانی را برانگیخت.

### ۲ مندیه‌تا؛ سایه شوم

«گایزکا مندیه‌تا» در تابستان ۲۰۰۱ از والنسیا به لاتزیو پیوست و شاید لقب «شوم‌ترین خرید فوتبال باشگاهی قرن بیست‌ویکم» مناسب این بازیکن اسپانیایی باشد. مندیه‌تا با رقم ۴۵میلیون یورو در تابستان سال ۲۰۰۱ به واسطه جاه‌طلبی‌های «سرجیو کرانیوتی»، رئیس سابق بیانکوچلستی‌ها (لقب تیم لاتزیو) به شهر رم آمد. مندیه‌تا کاپیتان بیست‌وهفت‌ساله والنسیا در سال ۲۰۰۱ لقب بهترین هافبک اروپا را از آن خود کرده بود و با درخشش این بازیکن ملی‌پوش اسپانیایی بود که این تیم در دو فصل متوالی ۲۰۰۰-۱۹۹۹ و ۲۰۰۱-۲۰۰۰ به فینال لیگ قهرمانان اروپا راه یافتند. در حقیقت مندیه‌تا ششمین خرید گران‌قیمت فوتبال جهان شد تا «سیلویو برلوسکونی»، رئیس آث‌میلان نیز تلاشش برای انتقال به جمع روسونری‌ها ناکام بماند، اما با ورود این ستاره ملی‌پوش اسپانیایی به جمع فیروزه‌ای‌پوشان، روند نزولی این تیم آغاز شد و هیچ اثری از تیم قهرمان سه‌گانه ۲۰۰۰ و قهرمان جام در جام اروپا ۱۹۹۹ تا به امروز دیده نشده است. کرانیوتی، رئیس لاتزیو برای رسیدن به جاه‌طلبی خود دو ستاره خط میانی که یاران کلیدی تیمش بود یعنی «پاول ندود» چک‌تبار و «خوآن سباستین ورون» آرژانتینی را به تیم‌های یوونتوس و منچستر یونایتد واگذار کرد. مندیه‌تا که در ۲۳۱ بازی برای والنسیا ۴۵ گل و در ۴۰ دیدار ملی اسپانیا هشت گل را به ثمر رسانده بود، در بیست بازی برای لاتزیو در فصل ۲۰۰۲-۲۰۰۱ هیچ گلی را به ثمر نرساند و حتی یک پاس گل هم نداد. این انتقال نافرجام نه‌تنها باعث شد که لاتزیو قهرمان سری A در سال ۲۰۰۰، در فصل ۲۰۰۲-۲۰۰۱ به‌زحمت رده ششم سری A را به دست آورد بلکه مندیه‌تا دیگر فراموش شد. او در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲ به طور قرضی به بارسلونا واگذار شد و دیگر عملکرد درخشان خود در لالیگا را نتوانست تکرار کند تا نهایتاً مجبور شود در تیم درجه چندمی میدلزبورو به طور زودهنگام از دنیای فوتبال خداحافظی کند.

### ۳ خریدهای بد دیگر

«مایکل اوون» در سال ۲۰۰۵ در ازای ۱۶میلیون یورو از رئال‌مادرید به نیوکاسل واگذار شد و لقب گران‌ترین خرید تاریخ کلاغ‌های سیاه سنت جیمز پارک را به خود گرفت، اما دوران هجده‌ماهه مصدومیتش در این تیم سبب شد تا از نظر فنی افت شدیدی کند و تنها ۷۱ بار در کل چهار فصل تا سال ۲۰۰۹ به میدان رفت و ۲۶ گل را به ثمر رساند. مسئولان نیوکاسل در سال ۲۰۰۹ مجبور شدند تا «اوون» را به طور اختیاری به منچستر یونایتد واگذار کنند. از رئال گفتیم، بگذارید بگوییم که بارسایی‌ها هم تا دلتان بخواهد در این سال‌ها خرید بد داشتند؛ مثلاً «الکساندر گلب» یکی از آن‌هاست که در سال ۲۰۰۸ از آرسنال با مبلغ ۱۵میلیون یورو از طرف مدیران بارسا خریداری شد و پس از یک فصل ناکامی در این تیم، به صورت قرضی به بیرمنگام، وولفسبورگ و اشتوتگارت رفت و نهایتاً به خاطر مصدومیت در آلمان، بارسلونا قراردادش را فسخ کرد تا او به عنوان بازیکن آزاد به لیگ روسیه بپیوندد.

### ۴ شوچنکو؛ ماشین گلزنی معیوب

«آندره شوچنکو»، مهاجم اوکراینی سابق آث‌میلان با مبلغ ۳۰میلیون پوند در سال ۲۰۰۶ به چلسی پیوست، ولی یکی از سه مهاجم برتر جهان طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰ که ۱۳۰ گل برای روسونری‌ها طی دوران حضورش در جمع قرمزپوشان میلانی به ثمر رسانده بود و لقب ماشین گلزنی با خود به همراه داشت، این‌بار برای آبی‌پوشان لندنی طی دو فصل و ۴۷ بازی، تنها ۹ گل را به ثمر رساند تا «آبراموویچ»، مالک باشگاه چلسی ضمن هدر دادن دلارهای نفتی‌اش، در حسرت از دست دادن «هرنان کرسپو» نیز باشد. شوچنکو که در فصل ۲۰۰۹-۲۰۰۸ به طور قرضی به میلان برگشت، دیگر هیچ‌گاه نتوانست موفقیت خود را تکرار کند و تنها ۹ بار به میدان رفت و دو گل را به ثمر رساند؛ البته این تنها خرید اشتباه چلسی نبوده، چون «فرناندو تورس» یا همان «ال‌نینو»ی اسپانیایی‌ها در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ با رقم سنگین ۵۰میلیون یورویی از لیورپول به چلسی پیوست تا چهارمین فوتبالیست گران‌قیمت لیگ جزیره لقب بگیرد و مالک میلیاردر آبی‌پوشان لندنی در اندیشه خود به افتخارآفرینی‌های این تیم فکر کند، اما غافل از این‌که این ستاره اسپانیایی، تنها بار مالی برای تیمش داشته و خریدی شرم‌آور محسوب می‌شود. فرناندو تورس که در سه سال حضورش در جمع سرخپوشان آنفیلدی طی ۱۰۲ بازی آمار عالی ۶۵ بار گلزنی را به ثبت رسانده بود هیچ‌وقت در چلسی به نزدیکی تکرار چنین رکوردی هم نرفت.

---

«بشار رسن»، بهترین بازیکن دربی هفته گذشته سرخابی‌ها بود

## پاداش خرید خوب

کمی قبل از آغاز لیگ هفدهم، وقتی «اوکراین» دوباره مقصد اردوی تابستانی سرخ‌پوشان شد، بسیاری از هواداران نگران بودند که تیم دوباره با چند بازیکن اوکراینی به تهران برگردد. این‌بار اما دیگر خبری از «تولد ناخواسته» در اردوی تیم برانکو نشد و معاون اقتصادی باشگاه به دنبال کشف پریموف‌ها و پلی‌یانسکی‌های تازه‌ای نرفت. دو بازیکن خارجی در فهرست خرید پرسپولیس قرار داشت: اولی، «گادوین منشا» بود که خیلی زود به توافق رسید و خیلی زود قراردادش را با این باشگاه امضا کرد. ستاره اهل نیجریه باشگاه پیکان اواسط فصل گذشته نیز آماده بود تا به تیم برانکو اضافه شود، اما با مخالفت «جلالی»، این اتفاق چند ماه به تعویق افتاد. منشا امتحانش را در پیکان پس داده بود و هیچ‌کس از دریچه تردید به کیفیت بالای این مهاجم سختکوش نگاه نمی‌کرد. دومین خرید خارجی تابستان از عراق آمد. «ایوانکوویچ» در دوران حضور در پرسپولیس، چند مذاکره بی‌سرانجام با فوتبالیست‌های عراقی داشت و بالاخره یکی از ستاره‌های نسل جدید فوتبال این کشور را به خدمت گرفت. در حافظه علاقه‌مندان به فوتبال در ایران، خاطره‌های چندان مثبتی از فوتبالیست‌های عراقی وجود نداشت. آن‌ها به بداخلاقی، خشونت و بی‌نظمی شهره بودند و ابتدای فصل وقتی حضور «بشار» در جمع سرخ‌ها به تأخیر افتاد، خیلی‌ها از او به عنوان «جاسم کرار» جدید نام بردند، اما زیاد طول نکشید که «رسن»، تفاوتش را نشان بدهد. مسابقه رفت با الاهلی، فرصت تماشای بازیکن تازه‌وارد را برای هوادارها به ارمغان آورد. بازیکنی که در دقایق پایانی به زمین فرستاده شد و با ارسال‌ها و پاس‌هایش، گره مسابقه را باز کرد. قرمزها به‌سرعت مجذوب ذخیره طلایی‌شان شدند و در انتظار تماشای او در ترکیب ثابت بودند. حواشی «محسن مسلمان» قبل از دربی، جای بشار را بین نفرات ثابت برانکو باز کرد و فوتبالیست عراقی آن‌قدر شگفت‌انگیز ظاهر شد که خروجش از زمین در دقیقه ۶۶ برای ورود مسلمان، تماشاگران تیم برانکو را نگران کرده بود. سرعت فوق‌العاده رسن با توپ، او را به بهترین بازیکن شهرآورد تبدیل کرد. مهره‌ای که هر وقت اراده کرد از بازیکنان مستقیمش رد شد و بدشانس بود که نتوانست این نمایش فردی باشکوه را با به ثمر رساندن یک گل، تکمیل کند. حالا دیگر نیمکت برای بشار کوچک به نظر می‌رسد. هافبک بیست‌ساله قرمزها می‌خواهد سهم بیشتری از تیم برانکو داشته باشد. او با درخشش خود در زمین، باعث پیشرفت تیمی شده که خارجی‌های فصل گذشته‌اش، فقط مصرف‌کننده بودند و به جای فوتبال، برای زندگی و تفریح در تهران سکونت داشتند. رسن هیچ‌وقت توریست نبوده و از راه رسیده تا هر روز، مبارزه تازه‌ای را تجربه کند.

## نذر کبوتران

حدیث سلسله از یادمان نخواهد رفت
ولایت به‌خدا شرطی از مسلمانیست
هزار مرتبه شکر خدا که نور تو
چراغ زندگی مردمان ایرانیست

کتاب رأفت و مهرت پر از حکایت‌ها
نظیر قصه آن پیرمرد سلمانیست
ز یاد مردم سایه‌نشین ایوانت
نرفته خاطره‌های نمازبارانت

یوسف رحیمی

## نماهشت

**پاییز هزار رنگ(۶)**

**زیبایی‌های فصل پاییز در نقاط مختلف جهان**

## یادداشت

افسانه غیاثوند

# تمرین پهلوونی

انگار توی یه تشت خاک، حسابی زیر و روش کرده بودن. دستش رو به شونه گرفته بود و ناله می‌کرد. مادر پرسید: «باز چی شده؟» گفت: «هیچی بابا! پای پرهام خورد به دستم...» بعد صداشو پایین آورد و گفت: «همین‌جوری!»
صیلیا نگاه معناداری به مادر کرد. صدای زنگ در که اومد، محمدحسین نفس‌بریده گفت: «فکر کنم خانم قاعدیه! با شما کار داره،اما نمی‌خواد درباره دعوا بگه‌ها!
شاید قرص ماشین ظرفشویی می‌خواد.» صیلیا گفت: «مامان خانوم بفرما! لو رفت که کتک خورده. الانم چاخان می‌گه که دعوا نکرده. می‌ترسه بابا دیگه نذاره بره پارکینگ.»
مادر که رفت پای آیفون، محمدحسین خودشو رسوند به صیلیا، روی پای چپش زانو زد با دست راست به نشونه قدرت بازو گرفت و گفت: «بالاخره خاکش کردم.» صیلیا چشماشو درشت کرد که یعنی دروغه، اما محمدحسین گفت: «زیر یه خمش رو گرفتم. همون‌جور که گفتی.» دو برادر به علامت موفقیت مشت‌هاشونو به‌هم کوبیدن. صیلیا ذوق‌زده رومیزی ترمه رو داد دستش که به جای پرچم باهاش دور افتخار بزنه. خودشم مثل گزارشگرها در حالی که کف دستشو می‌زد رو زمین، بنا کرد به تشویق کردن: «خسته نباشی دلاور! خدا...»
مادر صورت مثل گچ سفیدش رو گرفت سمتش و با لحنی که انگار ادامه گزارشه، ادامه داد: «خداقوت پهلوون!»
صیلیا پرسید: «من؟» مادر گفت: «بله، تو! به خاطر کارهایی که یاد برادرت دادی. ما تو رو به مرام و مهربونی می‌شناختیم و چقدر خوشحال بودیم که رفتی سراغ این ورزش، اما حیف! حیف که فکر و ذکرت فقط شده گوش شکسته و کلفتی بازو. بچه مردم ضربه مغزی نشده باشه خوبه...»
پسرها اون‌قدر سرشون گرم شیطنت بود که نفهمیدند مادر با چادری که داشت از سرش می‌افتاد از کی تکیه زده به چهارچوب در، اصلاً ندیده بودند کی از خونه زده بیرون؟
آقای قاعدی برای سرکشی به چندتا جایگاه، مأموریت رفته بود چالوس، پس چاره‌ای نداشتن جز این‌که زنگ بزنن به پدر. اون شب همه مخصوصاً این دو برادر، پلک رو هم نذاشتن تا وقتی‌که مصدوم مرخص بشه و ماجرا ختم به خیر.
محمدحسین که این روزها تحت تأثیر صیلیا از زمین چمن، گریزی به تشک کشتی زده، بعد از مراسم آشتی‌کنون تونست پرهام رو با خودشون همراه کنه تا سه‌تایی توی باشگاهی به مربیگری آقا اژدر، تمرین پهلوونی کنن.

## هدهد هشتایی‌ها

## در داستان غرق شویم

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

# شازده کوچولو در کتاب ریاضی

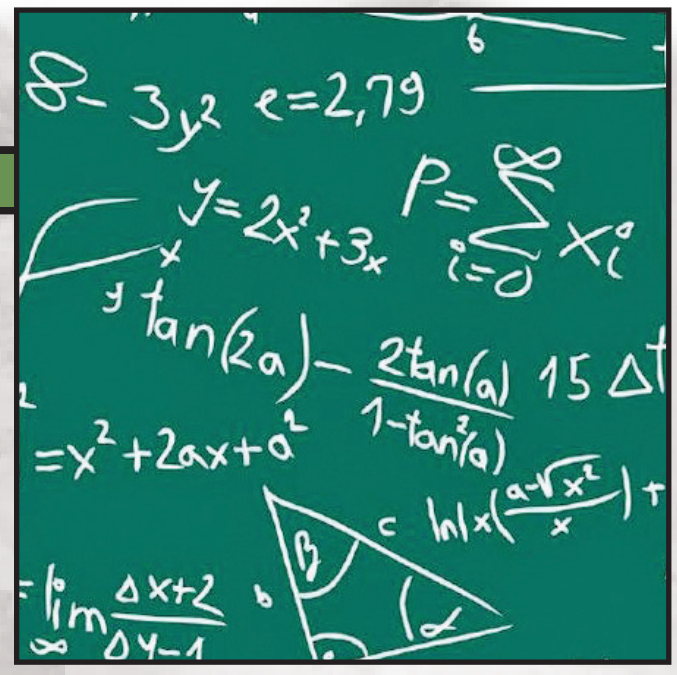

از صبح تا حالا پدرم را درآورده است. همه اتاقم را زیر و رو و همه‌چیز را جابه‌جا کرد. می‌گفت: «این‌طوری که من می‌چینم درسته.» همه دفتر و کتاب‌های مدرسه را از کیف و کمدم بیرون کشید و توی کشوها جا داد. لباس‌ها را درآورد و روی تخت تلنبار کرد. بعضی‌ها را هم مچاله کرد و انداخت سطل آشغال. می‌گفت: «خجالت نمی‌کشی با این سن و سالت این لباس‌های بی‌ریخت و بدرنگ رو می‌پوشی؟» بدتر از همه این‌که سروقت قفسه کتاب‌هایم رفت و نظم آن‌ها را به‌هم ریخت. انگارنه‌انگار که من آن‌ها را براساس سال خرید و موضوع چیده بودم. وقتی چشمش به کتاب‌های رنگ‌آمیزی و شعر و ترانه‌های کودکان افتاد پوزخندی زد و سری تکان داد و گفت: «واقعاً که خجالت داره. کی گفته تو بچه درس‌خوون فامیلی. آخه اینام شد کتاب؟»
و همه را برداشت و تا من به خودم بیایم و جلویش را بگیرم، آن‌ها را چپاند توی یک کارتن و هن‌هن‌کنان برد و گذاشت بالای راه‌پله‌ها.
بعد برگشت و نگاه عاقل اندر سفیهی به من کرد و گفت: «برای بچه‌هات نگه داشته بودی که یعنی بهشون ثابت کنی خیلی اهل مطالعه و بافرهنگ بودی؟» من نمی‌دانم این یک الف بچه این حرف‌های گنده‌تر از دهانش را از کجا یاد گرفته؟ مثل مادرها حرف می‌زند و نصیحت می‌کند و عیب و ایراد می‌گیرد؛ البته تعجبی هم ندارد. وقتی پدر و مادرش همه حرف‌هایشان را بلندبلند می‌زنند و وقتی همه مشکلات ریز و درشت بیرون از خانه و درگیری‌ها و اختلافات بین خودشان را جلوی چشم کنجکاو این بچه بازگو می‌کنند و صدا بالا می‌برند و دعوا می‌کنند، طبیعی است که بچه هم هر حرفی را بزند و خیلی واضح‌تر که به جای تذکر، خنده تحویل می‌گیرد و قربان صدقه‌اش می‌روند، معلوم است می‌شود این!
دختر دایی فرخ است که خودش هم ته‌تغاری خانه آقاجان است. دایی‌جان نمایشگاه ماشین دارد و خانمش هم شاغل است. خیلی وقت‌ها خانه نیستند و بچه‌شان معمولاً بین خانه عمه‌ها و خاله‌ها در رفت‌وآمد است. با خودم می‌گویم: «بله دیگر. بچه از هرکس هم حرفی یاد بگیرد، کافی است که این‌جوری شود و لج درآورد.»
بعد یاد پسر خاله فریده می‌افتم که درست همسن دختردایی است و در نبود خاله‌جان او هم سر از خانه ما درمی‌آورد و تازه شغل خاله هم سخت‌تر است با شیفت شب و دوره‌های آموزشی چندروزه، ولی اصلاً مثل این نیست. بلد است اجازه بگیرد. گوشه‌ای می‌نشیند و سرش به کار خودش است و اذیتی ندارد. بعد فکر می‌کنم شاید چون تک بچه است و بچه‌های همسن و سالش را هم خیلی کم می‌بیند و همبازی ندارد

این‌طوری شده. در حال حاضر هم تنها کسی که از نظر سنی به او نزدیک است، من هستم که دوازده سال از او بزرگ‌ترم و امسال کنکور دارم و سخت مشغول درس خواندن. حالا امروز سهم ما بوده که این زلزله سرمان آوار شود؛ آن هم در شرایطی که مادرش تصادف سختی کرده و مامانم سفارش اکید کرده که هوای بچه را داشته باشم و نازک‌تر از گل بهش نگویم که یک وقت بهانه مادرش را نگیرد.
یاد حرف‌های مامان می‌افتم که از بچگی دایی‌جان تعریف می‌کرد که چقدر لوس بوده و عزیزکرده آقاجان که از گل نازک‌تر به او نمی‌گفته و هرچه می‌خواسته برایش فراهم می‌کرده و در نتیجه شده مردی که صاحب خانه و زندگی شده، ولی نمی‌داند بچه داشتن فقط این نیست که هرچه خواست برایش بگیری و جای خالی یک دقیقه نشستن و حرف زدن را با خروار خروار اسباب‌بازی و عروسک پر کنی. بعضی وقت‌ها با خودم می‌گویم اگر تجربه‌هایم از روزهای بودن با این وروجک را بنویسم و بعد درباره‌اش تحقیق کنم خودم یک پا روان‌شناس کودک می‌شوم.
به هر حال چاره چیست. دستور مامان است و من هم که همیشه تابع امر او بوده و هستم. کاش من هم ذره‌ای از جسارت این دخترک را داشتم تا لااقل گاهی می‌توانستم جلوی بقیه بایستم و کمی از حق خودم دفاع کنم. نه این‌که هرچه بگویند و هر کاری بخواهند بدون کمترین مقاومتی بله بگویم و قبول کنم. خب من بچه وسطی هستم. خواهر بزرگ‌ترم که احترامش واجب است و برادر کوچک‌ترم که فقط دو سال بعد من به دنیا آمده هم بالاخره کوچک‌تر محسوب می‌شود و باید هوایش را داشت! این است که من همیشه طبق نظر بقیه کار کرده و می‌کنم. حتی رشته تحصیلی مدرسه را هم خواهرم برایم انتخاب کرد: ریاضی! آن هم برای من که عاشق ادبیات بودم. فقط به یک دلیل که به نظر همه کاملاً منطقی بود؛ این‌که ریاضی آخر و عاقبت دارد.
حالا هم هر کار می‌کنم که از درس‌ها سردربیاورم تلاشم به جایی نمی‌رسد و درجا می‌زنم. همه‌اش سرم روی کتاب است و این باعث شده همه فکر کنند چقدر علاقه‌مند به درسم! ولی هیچ‌کس نمی‌داند لای کتاب درسی معمولاً کتاب داستانی دارم برای خواندن.
تا این‌که امروز این وروجک همه‌چیز را کشف کرد. کتاب ریاضی را برداشت و وقتی شازده کوچولو از وسط آن افتاد، مثل فاتحان بزرگ آن را سر دست گرفت و روی تخت بالا و پایین پرید و تهدید کرد که رازم را برملا می‌کند. من هم تلاش کردم تا مدرک جرم را از او بگیرم که افتاد و سرش خورد به گوشه تخت. البته ظاهراً چیزیش نشد و الان یک ساعتی هست که خوابیده، ولی توی دل من رخت می‌شویند که جواب بقیه را چی بدهم که این‌طوری امانتداری کرده‌ام؟

زهره اکبرآبادی، مربی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیشابور.

## #هشتکو

جایی برای خندیدن، شادبودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

حالا همچین می‌گن ماهی حافظه نداره، انگار حیونای دیگه ۲۴ساعته نشستن دارن خاطره تعریف می‌کنن. برامون همه‌شون یکین دیگه.
#خوشمزه خان

به نظر من صداهایی که شب‌ها از وسایل خونه میاد همش برای هماهنگی اینه که کدومشون جلوی انگشت کوچیکه پای من باشن. قشنگ با برنامه، نوبتی این کارو می‌کنن.
#آقای همساده

یه بار نصف شب با شوهرخاله‌ام تو جنگل گم شدیم اون‌قدر داد زدیم: چوپان چوپان، یهو یه خرس اومد گفت: آقا از این سمت مسیر نه، ولی دیگه داد نزن خوابیم.
#خوشمزه خان

اون‌قدر دندون خراب دارم که وقتی مسواک می‌زنم، مسواکم یکی در میون می‌افته تو چاله.
#آقای همساده

ژلوفن اون‌قدر بامرامه که مطمئنم اگه یه روزی کاری هم از دستش برنیاد دست می‌کنه جیبش می‌گه: بیا داداش این پنجاه تومنو بگیر برو دکتر.
#خوشمزه خان

روزایی که فرداش کلاس دارم تا ۵ صبح هم خوابم نمی‌بره، ولی ۹ شب روزی که فرداش تعطیله غرق خوابم.
#آقای همساده

قدیما می‌گفتن وقتی زمان زود می‌گذره یعنی داره بهت خوش می‌گذره، اما ماها بدون خوشی داریم به‌سرعت پیر می‌شیم
#شاعر تنها
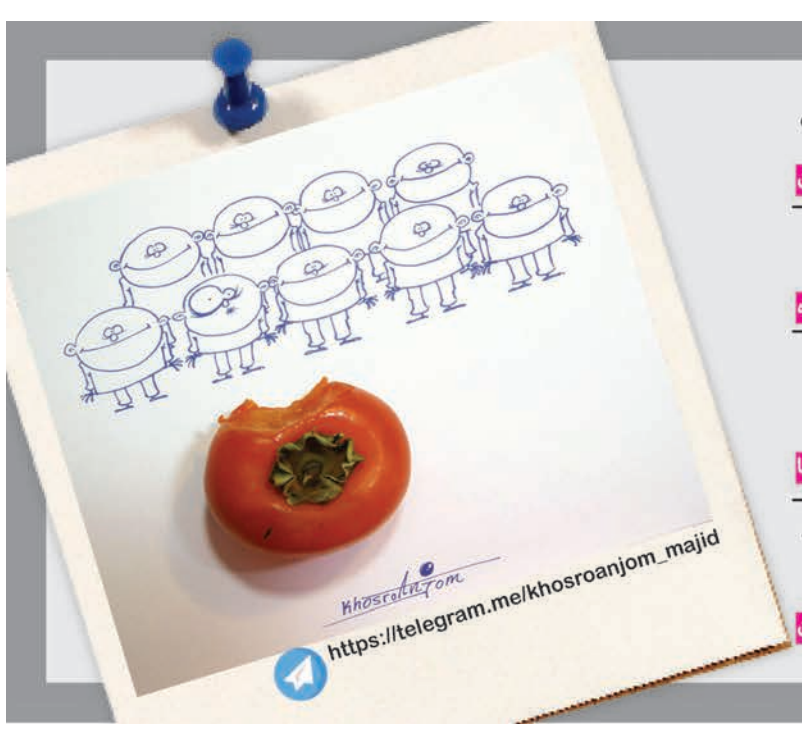
قیمه درست می‌کنید روش خلال سیب‌زمینی آماده نریزید. اون لپه‌ها ساعت‌ها حرارت رو تحمل کردن. دلشون می‌شکنه.
#خیل خان